

نویسنده‌های بزرگ، خواننده‌های کوچک

بلبل امپراتور چین



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

نویسنده‌های بزرگ، خواننده‌های کوچک

بلیه امپراتور چین

نویسنده: هانس کریستین آندرسن • تصویرگر: آریانا اپراملا • مترجم: غلامرضا امامی

سرشناسه: اندرسن ، هانس کریستیان، ۱۸۰۵ - ۱۸۷۵ م؛ Andersen, Hans Christian
عنوان و نام پدیدآور: بلبل امپراتور چین / نویسنده: هانس کریستیان اندرسن؛ تصویرگر: آریانا اپراملا ؛ مترجم: غلامرضا امامی.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۷ ص.؛ مصور (رنگی): ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست: نویسنده‌های بزرگ، خواننده‌های کوچک.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۷۸۰-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: 2011. L'usignolo dell'imperatore della Cina, c
یادداشت: گروه سنی: ب، ج.
موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های چینی
موضوع: Legends, Chinese
شناسه‌ی افزوده: اپیرامولا، آریانا، تصویرگر
Operamolla, Arianna
شناسه‌ی افزوده: غلامرضا، امامی، ۱۳۲۵ - ، مترجم
Emami, Gholamreza
شناسه‌ی افزوده: دیویی: ۲۰۹۵/۳۹۸ دا
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۶۱۳۷۶
۷۱۳۲۳۰۱



انتشارات پرتقال

نویسنده‌های بزرگ، خواننده‌های کوچک: بلبل امپراتور چین

نویسنده: هانس کریستیان اندرسن

تصویرگر: آریانا اپراملا

مترجم: غلامرضا امامی

ویراستار: سارا طباطبایی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سحر احدی - آزاده توماچ‌نیا

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۷۸۰-۱

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: اندیشه‌ی برتر

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان



۰۰۰۶۳۵۴۴



۰۲۱-۶۳۵۴۴



www.porthaal.com



kids@porthaal.com

روزی پادشاه جوانی در چین صدای آواز بلبلی را شنید که در جنگلی نزدیک کاخ سلطنتی پنهان شده بود. بلبل آواز شگفت‌انگیزی داشت. امپراتور فوراً خدمتکاران را احضار کرد و از آنها خواست تا آن پرنده‌ی خوش‌آواز را برایش بیاورند. خدمتکاران جنگل را گشتند تا توانستند درختی را پیدا کنند که بلبل در آن زندگی می‌کرد.



خدمتکاری که از همه پیرتر بود از پرنده‌ی
کوچک خواست که با آنان به نزد امپراتور بیاید.
بلبل جواب داد که عاشق جنگل و آزادی است
اما چون امپراتور دستور داده، می‌آید و برای او
آواز می‌خواند. بنابراین پرواز کرد و روی شانه‌ی
خدمتکار پیر نشست تا با او به کاخ سلطنتی برود.



در کاخ سلطنتی بلبل آوازی سر داد. چنان آواز
پرسوزی خواند که امپراتور و تمام دربار به گریه
افتادند.

در پایان آوازش، امپراتور از بلبل خواست که در
قصر بماند و دستور داد که برای بلبل لانه‌ای از طلا
بسازند.

بلبل اطاعت کرد، اما از اینکه آزادی و جنگل
خود را از دست داده بود، ناراحت بود.